

روشهای بررسی:

# اهداف تربیت و تعلیم اسلامی

محسن شکوهی یکتا

**اهداف عالی «تربیت و تعلیم»**  
 قبل از آنکه بخواهیم هدفهای تربیت و تعلیم را بصورت تعریفهای عملیاتی و ریز شده بیان کنیم لازم است هدف عالی و نهائی از تربیت و تعلیم را که مانند چتری هدفهای دیگر را زیر پوشش دارند بیان نمائیم.  
 برای ورود به این بحث به ذکر نظراتی از اندیشمندان و متفکرین «تربیت و تعلیم» در اینمورد می پردازیم:  
 هدف از تربیت، شناختن خدا و انجام دادن وظائف دینی - آماده شدن برای زندگانی شایسته - اصل و تبار کودک پیدا کردن - اخلاق نیکو (راستگویی - فروتنی - حق شناسی - جوانمردی و مانند آن) - کسب دانش و هنر.  
 «عنصر المعالی»

منظور از تربیت پنج چیز است:  
 ایمان - اخلاق نیکو - تندرستی - سواد - هنر و پیشه.  
 «ابن سینا»  
 منظور از تربیت کودک سعادت است. و سعادت عبارتست از حسن حال و طیب عیش و ثنای جمیل و قلت اعداد و کثرت اصدقاء از کرام و قصد ترقی بمعالی امور.  
 «خواجه نصیرالدین طوسی»  
 منظور از تربیت کودک کمال و به طلبی است. که اگر تعقیب شود سعادت نصیب گردد. و سعادت پنج چیز است: صحت بدن - ایمنی - وسعت رزق - رفیق شفیق - فراغت  
 «جامی»  
 منظور از تربیت سه چیز است: سعادت دین و دنیا خشنودی خدا - تسلط بر نفس و تهذیب اخلاق و احیاء

شریعت نبوی.

«محمدغزالی»

منظور از تربیت چهار چیز است: دیانت و پرهیزکاری - خردمندی - سخنرانی - اتکاء به نفس

«سعدی»

منظور از تربیت و تعلیم آماده کردن برای زندگانی کامل می باشد.

«هربرت اسپنسر»

اهداف نهائی تربیت و تعلیم در دوره های مختلف سیاسی و اجتماعی و تربیتی کشورمان نیز بصورت های گوناگون بوده است. بعنوان مثال: در زمان ایرانیان قدیم زرتشتیان، منظور از تربیت سه چیز بوده است<sup>۱</sup> که عبارتند از:  
 ۱- خدمت به اجتماع  
 ۲- اجتماع بخانواد و رفع مسئولیت از پدر و مادر

۳- برتری هر فرد بر دیگران

هرودوت می نویسد: ایرانیان فرزندان خود را غالباً در سه چیز تعلیم میدهند اول راستی، دوم سواری سؤم تیراندازی<sup>۲</sup> «دردوره استلال ایران تا قبل از حمله مغول منظور از تربیت و تعلیم را اینگونه میدانستند:

«نخست اینکه وی را معتقد به خدا و شریعت اسلام بار آورند... دومین هدف این بود که کودک را آراسته باخلاق متنفر شود و دوری جدید... سومین منظور، آموختن هنر پیشه و راه امرار معاش بوده است... هدف چهارم از تربیت، بهداشت و تندرستی بوده است که در اخلاق آدمی سخت مؤثر است...»<sup>۳</sup>

در دوران حکومت صفویه در ایران چهار هدف دیانت - اخلاق - تندرستی - کسب معاش تعقیب می شد

ولی در موضوع دیانت حدود و قیودی معین حکمفرما شد و اعتقاد و ایمان به مذهب جعفری مهمترین هدف تربیت و تعلیم قرار گرفت. ۱

### هدف غائی «تربیت و تعلیم» از نظر اسلام

هدف غائی از «تربیت و تعلیم اسلامی» عبارتست از:

«پرورش انسان عابد»  
خداوند در آیه ۵۶ سوره الذاریات قرآن کریم میفرماید:

«ما خلقت الحسن والانس الا ليعبدون»  
جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا پرستش کنند.

البته عبادت، تنها انجام یک سلسله اعمال و فرایض خشک و مراسم تشریفاتی نیست، بلکه دارای معنای بسیار جامعی است که شامل تمام اجزای زندگی شده، هر فکر و عمل احساس انسان را در بر میگیرد. به عبارت دیگر عبادت یعنی: روی آوردن به خدا در همه فعالیتهای زندگی، جلب رضایتش در همه امور و پروا داشتن از همه عوامل اسبابی که موجب خشم او گردد.

لازم به توضیح است که وقتی عبادت را روی آوردن به خدا در همه فعالیتهای زندگی می دانیم بدان معناست که اگر تغذیه می کنیم و اگر استراحت می نمائیم و اگر... تماماً فقط و فقط نیتمان جلب رضایت او باشد. بنابراین با این توصیف انسانی که عابد است تغذیه می کند بخاطر رضایت خداوند (چون او به چنین کاری دستور داده است) و انسانی که عابد نیست هم تغذیه می نماید همانند

او شکم خود را سیر می کنند اما چون هدفش جلب رضایت حقتعالی نیست بنابراین بلحاظ اسلام عمل او بهیچوجه مورد قبول قرار نمیگیرد. چنانچه مردی خدمت رسول اکرم (ص) رسید و عرض کرد: اگر مردی برای آجر و نام جنگ کند، پاداشش چیست؟ رسولخدا (ص) فرمود هیچ! سه بار این پرستش را تکرار کرد و رسولخدا (ص) میفرماید: هیچ نصیبی ندارد! سپس فرمود: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا وَاتَّبَعِي بِهِ وَجْهًا»

همچنین پیامبر (ص) در اینباره چنین میفرماید:

«انما الا اعمال بالنیات وانما لكل امری و مانوی»

درجه شایستگی هر عمل بسته به کیفیت نیتها است. و شخص هر طور که نیتش باشد به نتیجه میرسد. بنابراین اگر کسی کاری را که انجام میدهد توجهش به غیر خدا باشد و مقاصدی غیرخدائی داشته باشد به هیچ وجه مقبول خدا نخواهد بود.

بعد از آنکه دانستیم «چتر هدفهای تربیت و تسلیم اسلامی» ارائه انسان «عابد» است. در بخشهای آینده به بررسی هدفهای جزئی تر میپردازیم. بعبارت دیگر بیان می کنیم که چه اعمالی را انسان تربیت یافته اسلامی انجام میدهد، تا یک «انسان عابد» بحساب آید.

### طرق بررسی اهداف «تربیت و تعلیم اسلامی»

اهداف «تربیت و تعلیم اسلامی» را از چند طریق بررسی می نمائیم:

طریق یکم: برای روشن شدن هرچه بیشتر موضوع مورد نظر، دوباره تعریفی

را که درباره تربیت از نظر اسلام ارائه داده بودیم بیان می کنیم:

تربیت عبارتست از هدایت و جریان ارتقائی و تکاملی بشر، یا ایجاد هیأت تازه در فرد بمنظور فراهم آوردن زمینه جهت رشد و تکامل همه جانبه و هماهنگ.

همچنین توضیح دادیم که وقتی میگوئیم هدف نهائی آن تکامل بشر است. با توجه به این مسأله که تکامل همان صیوروت بسوی الله و رسیدن به عالیترین مرتبه صفات انسانی که همان خلیفه الله یا جانشینی خداوند بر روی زمین است.

حال بادقت نظر در تعریفی که از «تربیت» ارائه شد می توانیم هدف از تربیت اسلامی را نیز دریابیم. بدین معنی که نهایت و غایت از تربیت اسلامی پرورش انسانی است خداگونه<sup>۵</sup> و واجد شرائط خلیفه الله یعنی نماینده خدا بر روی زمین است. اما همانطور که قبلاً اشاره شد در مسائل تربیتی هرگاه هدفی را بیان می کنیم. بایستی آن هدف به هدفهای جزئی تر تبدیل کرده و یا بعبارت دیگر هدف مورد نظر را تعریف عملیاتی بنمائیم.

بنابراین وقتی میگوئیم هدف از «تربیت اسلامی» ارائه انسان «خداگونه» است و انسانی که شایستگی نمایندگی خداوند را بر روی زمین داراست بیان کنیم.

میدانیم خداوند دارای دوگونه صفات است. یکی صفات جلالیه و دیگری صفات جمالیه.

صفات جلالیه صفاتی هستند که ذات خداوند از آنها مبراست مانند

جهل، ظلم، بخل و حرص و...

بنابراین باتوجه به مسائل یاد شده انسان خداگونه و یا نماینده او انسانی است که از صفات جلالیه خداوند سیر صعودی را بسوی صفات جمالیه او تا آنجا که در توان و قدرت معنوی و مادی دارد پیماید. بعبارت دیگر از جهل و حسد و ظلم و بخل و کینه و... خود را دور ساخته و در مسیر صعودی بسوی علم، جود، عدل، ایثار، محبت و... بالا برود.

لازم بتذکر است که اینگونه صفات خداوند، مطلق است در صورتیکه در انسان بطور نسبی است و انسانی شایسته نمایندگی خداوند است که همیشه در همه حال سعی در تقویت و گسترش اینگونه صفات را هر چند بطور نسبی در خود داشته باشد. بعنوان مثال خداوند قادر است. یعنی توانائی انجام دادن هر کاری و ترک آنرا دارد و بهره‌چیزی تواناست. ذره‌ای ضعیف و ناتوانی در او راه ندارد. بنابراین انسان هم تا آنجا که می‌تواند بایستی سعی کند بر مشکلات و ضعفهای خویش پیروز شده و ناتوانی خود را به توان، و ضعف خویش را به قدرت، تبدیل نماید. البته بدیهی است که قدرت و توان او در مقابل جهان هستی و قادر متعال (که قدرت انسان هم از خداست.) ذره‌ای بیش به حساب نمی‌آید.

یکی از صفات دیگر خداوند علم است و از جهل بدور می‌باشد. بنابراین انسانی که میخواهد خلیفه و نماینده شایسته‌ای از طرف قادر متعال باشد بایستی سعی نماید جهل خویش را به علم و کدورت عقلانی خود را به

بصیرت تبدیل نماید...

اما هر قدر انسان از این نردبان تعالی بالاتر رود، به خداگونه شدن و نماینده شایسته شدن او نزدیک‌تر میگردد.

بنابراین با توجه به مسائلی که ذکر شد «هدف» از «تربیت و تعلیم اسلامی» پرورش انسان شایسته نمایندگی خدا و دارای صفات جانشینی اوست.

### طریق دوم:

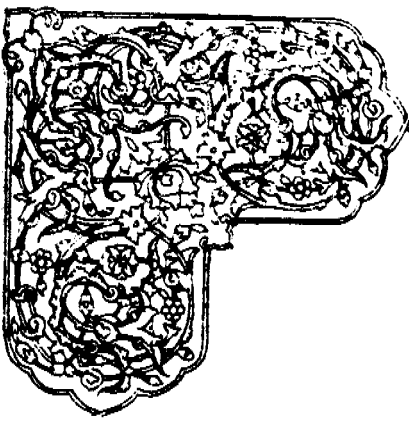
پروردگار متعال برای هدایت بشر قوانین و مقرراتی بنام دین در طول تاریخ بر او نازل کرده است و همیشه همراه قوانین تشریحی نازل شده الگوی کاملی را که مظهر آن قوانین بوده است بعنوان نمونه و الگوی عملی برای بشر عرضه داشته است. تا از دو طریق ارائه الگوی تجریدی و الگوی عملی انسان را به سوی کمال رهنمون شود.

بنابراین، هدف از «تربیت و تعلیم» بوسیله ادیان را می‌توان به صورت دیگر چنین بیان کرد:

هدف از تربیت و تعلیم بوسیله ادیان عبارتست از «پرورش انسانهای پیامبرگونه».

با توجه به تعریف فوق هدفهای عملیاتی کاملاً واضح و روشن می‌گردد. چه: سیره پیامبران در طول تاریخ کاملاً مشخص و معین است. اعمال، تفکرات، احساسات، نیات، برخوردها و همه و همه در روش آنان مشخص می‌باشد.

بنابراین هدف از تربیت و تعلیم عبارت می‌شود از اینکه انسانهایی اینچنین یا بهتر بگوئیم شبیه آنها پروریم که دارای آن اعمال، آن افکار و آن



احساسات و نیات خاص باشند.

اقا در میان تمامی ادیان، اسلام در اینمورد یک برتری خاص دارد و آن اینکه اولاً بجای یک الگو، چهارده الگو (چهارده معصوم) ارائه داده است و ثانیاً چون برای زن اهمیت خاصی قائل شده است، الگویی نیز برای تربیت زنان ارائه نموده است که همان فاطمه (ام ایها) دخت گرامی پیامبر اکرم (ص)، و تربیت یافته خاندان رسالت و امامت است.

در خانه پیامبر (ص) و در خانه علی (ع) دو ابر مرد تاریخ، تربیت یافته است و خود الگویی است برای تمامی زنان متعهد و مسئول در طول تاریخ بشریت بنابراین تعریف اهداف تربیت و تعلیم اسلامی را می‌توانیم چنین بیان کنیم:

### هدف از تربیت و تعلیم اسلامی:

«پرورش انسانهای پیامبرگونه»

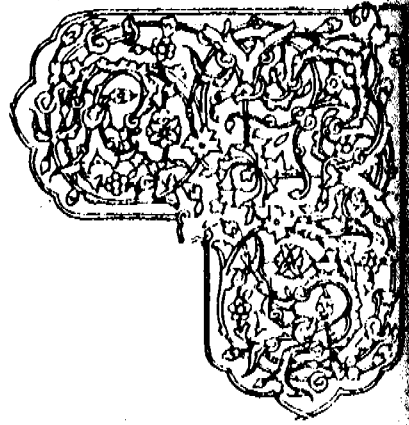
«پرورش انسانهای علی وار»

«پرورش زنان فاطمه گونه»...

است

### طریق سوم:

آیات و روایات بسیاری درباره سیمای انسان مؤمن و مسلمان و چهره انسان تربیت یافته اسلامی وجود دارد.



بعنوان مثال آیاتی که با «یا ایها الذین آمنوا» (ای کسانی که ایمان آوردید) شروع شده است، نشاندهنده چهره انسان مؤمن در قرآن کریم است. همچنین در بسیاری از روایات، وظایف انسان مسلمان و مشخصات جسمی، روحی و اخلاقی او ارائه شده است. بنابراین میتوانیم هدف از «تربیت و تعلیم اسلامی» را پرورش انسانهایی با این خصوصیات ذکر نمائیم. و طبیعتاً هدف از این نوع تربیت و تعلیم، تا حدی تعریف عملیاتی نیز شده است. چه، در آیات و روایات دقیقاً مشخصات وظایف یک انسان تربیت شده اسلامی بوضوح بیان شده است و می توان براساس آن به تربیت و تعلیم اسلامی انسانها پرداخت.

بعنوان مثال امام سجاد علیه السلام در رساله «حقوق» خویش وظایف مختلف انسان مسلمان را ذکر می نماید که بخاطر کوتاهی کلام فقط به ذکر انواع این وظایف بدون توضیح آنها می پردازیم:

- ۱- حق خدا ۲- حق خودانسان
- ۳- حق زبان ۴- حق گوش ۵- حق چشم
- ۶- حق پا ۷- حق دست ۸- حق شکم
- ۹- حق عضو جنسی ۱۰- حق نماز

- ۱۱- حق روزه ۱۲- حق صبح
- ۱۳- حق قریبانی- نذر
- ۱۴- حق صدقه و خیرات ۱۵- حق معلم
- ۱۶- حق کسی که عهده دار امور دنیوی ما است. ۱۷- حق کسی که زحمت معاش ما را می کشد.
- ۱۸- حق شاگردان ۱۹- حق آنان که عهده دار امور آنانیم ۲۰- حق زیردستان
- ۲۱- حق همسر ۲۲- حق مادر
- ۲۳- حق پدر ۲۴- حق فرزندان
- ۲۵- حق برادر ۲۶- حق نجات دهنده از اسارت و گرفتاری ۲۷- حق نجات یافته از گرفتاری ۲۸- حق نیکی کننده
- ۲۹- حق مؤذن ۳۰- حق پیشنماز
- ۳۱- حق معاشر ۳۲- حق همسایه
- ۳۳- حق همراه و همسفر ۳۴- حق شریک ۳۵- حق مال ۳۶- حق طلبکار
- ۳۷- حق همکار- هم منزل ۳۸- حق کسی که مدعی حقی است از ما
- ۳۹- حق کسی که نسبت به او ادعایی داریم ۴۰- حق کسی که با تو مشورت می کند ۴۱- حق کسی که با او مشورت می کنی ۴۲- حق کسی که از تو پند می خواهد ۴۳- حق کسی که ترا نصیحت می کند. ۴۴- حق بزرگتران
- ۴۵- حق کوچکتران ۴۶- حق سؤال کننده ۴۷- حق کسی که از او سؤال می کنی ۴۸- حق خشنود کننده
- ۴۹- حق بدی کننده ۵۰- حق اهل ملت (عامه مردم) ۵۱- حق غیر مسلمانان<sup>۶</sup>.

البته بدیهی است حق شماره ۱ که همان حق خدای متعال بر گردن انسان است. مبنا و هدف غائی تمام حقوق دیگر است. به این معنی که اگر برای «بزرگتر» حقی قائل می شویم چون از دستورات قادر متعال پیروی

می نمائیم، و این فرمان اوست که برای دیگران و برای اعضاء خود انسان حقوقی قائل شده است و ما اگر می خواهیم حق خداوند را بر خود عمل نمائیم بایستی این حقوق را نیز به جای آوریم.

به عنوان نمونه یکی از این حقوق را از متن رساله امام سجاد(ع) با ترجمه آن ذکر می کنیم:

نسبت به زبان (پنج) حق باید رعایت شود:

۱- زبان خود را گرامی تر از آن بدانیم که به گفتار نامناسب و نادرست آلوده شود.

۲- آنرا به نیکوگوئی عادت دهیم.

۳- به رعایت ادب (سکوت یا بیان بهترین) واردش سازیم.

۴- از زیاده گوئی و پرحرفی بپرهیزیم و در هر مورد لازم از آن استفاده کنیم.

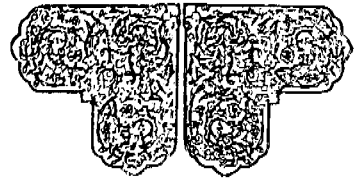
۵- از سخنان کم فایده و زننده و بی نتیجه و آنچه که احتمال فساد و پشیمانی دارد دوری کنیم.

و از اینها گذشته بدانیم که:

زبان خوب داشتن گواه و نشانه عقل، زینت گر عقل انسان، و نشانه نیکی باطن است هیچ پناهگاه و توانائی نیست مگر به خدا، که انسان بتواند خود را این گونه بسازد.

### طریق چهارم:

قبل از آنکه به شروع بحث چهارم درباره اهداف «تربیت و تعلیم» اسلامی پردازیم. لازم است مقدمه ای تحت عنوان «ولایت فقیه» رامطرح نمائیم. (اما چون در اینجا بحث اصلی



روشای برزسی:

## اهداف تربیت و تعلیم اسلامی

بقیه از صفحه ۱۵

ما در این باره نیست بنابراین به مختصری درباره این مسأله بسیار مهم و حیاتی از کتاب «ولایت فقیه» امام خمینی در این جزوه اکتفا می‌کنیم.

### «ولایت فقیه» از دیدگاه امام خمینی

(شرایط زمامداری)

شرایطی که برای زمامدار ضرورت است مستقیماً ناشی از طبیعت طرز حکومت اسلامی است پس از شرایط عامه مثل عقل و تدبیر، دو شرط اساسی وجود دارد که عبارتند از:

۱- علم به قانون

۲- عدالت

... زمامدار بایستی از کمال اعتقاد برخوردار باشد و دامنش به معاصی آلوده نباشد.

... اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد بپاخواست و تشکیل حکومت داد همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (ص) در امر جامعه داشت دارا می‌باشد، و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.

بنابراین، «الفقهاء أمناء الرسل» یعنی کلیه اموری که به عهده پیغمبران است فقهای عادل موظف و مأمور انجام آنند. گرچه عدالت اعم از

امانت است و ممکن است در امور مالی امین باشد اما در عین حال عادل نباشد ولیکن مراد از «أمناء الرسل» کسانی هستند که از هیچ حکمی تخلف نکنند و پاک و منزه باشند، چنانکه در ذیل حدیث می‌فرماید:

«مالم یدخلوا فی الذنبا...» یعنی تاهنگامیکه به منجلاب دنیا طلبی در نیامده است. پس اگر فقیهی در فکر جمع‌آوری مال دنیا باشد عادل نیست و نمی‌تواند امین رسول اکرم (ص) و مجری احکام اسلام باشد... اگر فقیهی برخلاف موازین اسلام کاری انجام داد - نمود بالله فسقی مرتکب شد، خود بخود از حکومت منعزل است، زیرا از امانتداری ساقط است.

وقتی می‌گوئیم ولایتی را که رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) داشتند بعد از غیبت، فقیه معادل دارد. برای هیچ کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه (ع) و رسول اکرم (ص) است... بلکه ولایت مورد بحث یعنی حکومت و اجرا و اداره برخلاف تصویری که خیلی افراد دارند امتیاز نیست بلکه وظیفه‌ای خطیر است.

در زمان رسول اکرم (ص) این طور نبود که فقط قانون را بیان و ابلاغ کنند بلکه آنرا اجرا می‌کردند. رسول الله (ص) مجری قانون بود، مثلاً قوانین جزائی را اجرا می‌کرد. و دست سارق را می‌برید، حد می‌زد، رجم می‌کرد، خلیفه هم برای این امور است خلیفه قانونگذار نیست، خلیه برای این است که احکام خدا را که رسول اکرم (ص)

آورده اجرا کند. اینجاست که تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره لازم می‌آید. اعتقاد به ضرورت و کوشش برای آن از اعتقاد به ولایت است...

هرکه اظهار کند تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده است و جامعیت و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است.

پس از ثبوت این مطلب، لازم است که فقها اجتماعاً یا انفراداً برای اجرای حدود و فقط ثغور و نظام، حکومت شرعی تشکیل دهند و این امر اگر برای کسی امکان داشته باشد واجب عینی است و گرنه واجب کفائی است، در صورتی که ممکن نباشد ولایت ساقط نمی‌شود، زیرا از جانب خدا منصوبند. اگر نتوانستند باید مالیات، زکات، خمس و خراج را بگیرند و در مصالح مسلمین صرف کنند، و اجرای حدود کنند اینطور نیست که حالا که نمی‌توانیم حکومت عمومی و سراسری تشکیل بدهیم کنار بنشینیم بلکه تمام امور که مسلمین محتاجند و از وظایفی است که حکومت اسلام باید عهده‌دار شود هر مقدار که می‌توانیم باید انجام دهیم. شرایط زمامدار در قانون اساسی جمهوری اسلامی اینگونه منظور مضبوط گردیده است.

«اصل پنجم - در زمان غیبت حضرت ولی عصر، عجل الله تعالی فرجه، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه

دانش آموزان را به مطالعه آن روزنامه برانگیزد. نوشتن مطلب بر روی صفحه روزنامه به صورت مورب و نامنظم، خواندن مطلب را برای دانش آموزان مشکل می‌کند.

۱۱-۵۵ نوشته‌های هر روزنامه باید متنوع و کوتاه باشد تا در خواننده که مدتی ایستاده و آن را مطالعه می‌کند ایجاد خستگی نکند.

۱۲-۵۵ درج جدول کلمات متقاطع در روزنامه دیواری مفید نیست، زیرا دانش آموزان به علت اینکه روزنامه دیواری نسخه منحصراً فردی است نمی‌توانند حل جدول را بر روی روزنامه بنویسند. ولی می‌توان جدول کلمات متقاطع را به صورت جدول حل شده در روزنامه دیواری آورد.

۱۳-۵۵ هر روزنامه، خواه روزنامه کلاس و خواه روزنامه مدرسه، باید در جای مخصوصی از دیوار کلاس یا راهرو مدرسه نصب شود تا دانش آموزان علاقمند برای خواندن آن روزنامه همیشه به همان جا مراجعه کنند. باید توجه داشت که روزنامه باید در جایی نصب شود که دانش آموزان به آسانی بتوانند نزدیک به آن بایستند و آن را بخوانند. و نیز روزنامه را طوری باید به دیوار نصب کرد که دانش آموزان برای خواندن آن ناگزیر به خم کردن یا زیاد بالا نگاه داشتن سر خود نشوند. لذا برای رفع این مشکل باید روزنامه را طوری به دیوار نصب

دقیق وظایف انسان مسلمان، امروزی پرداخته است و هر روز در رابطه با مسائل روز از طریق وسایل ارتباط جمعی، وظایف فردی و اجتماعی مسلمانان را بیان می‌کنند. حتی موضع‌های سیاسی و اجتماعی یک انسان مسلمان در جامعه امروز ما بوسیله خط رهبری ولایت فقیه مشخص گردیده است. بنابراین بهترین تعریف اجرایی و عملیاتی از هدفهای «تربیت و تعلیم اسلامی»، عبارتست از: «پیروی از ولایت فقیه در تمامی شئون»

#### پاورقی‌ها:

- ۱- اخلاقی ایران باستان، دین شاه ایرانی ص ۵۰-۶۶
- ۲-۴-۳- دوره مختصر تاریخ فرهنگ ایران، دکتر عیسی صدیق ص ۱۶ و ص ۷۳ و ص ۱۱۵
- ۵- لازم به تذکر است که به مصداق «عبیدی اطمنی حتی اجعلک مثلی» خداوند می‌فرماید: بنده من اطاعت کن مرا تا تو را به گونه خود قرار دهم بنابراین با توجه به این منظور از کلمه خداگونه روشن می‌شود که انسانی می‌تواند خداگونه باشد، که به اطاعت از «رب» خود پردازد.
- ۶- به نقل از کتاب «راه و رسم زندگی از نظر امام سجاد علیه السلام» علی غفوری.
- ۷- «پیروی و اطاعت از این فرمانروا یک وظیفه است، وظیفه‌ای که بپذیرش آزاد و اختیار و انتخاب هر مسلمان همراه است. در واقع فرمانده و فرمانبر هردو مطیع یک امر و فرمان هستند. امر و فرمان خدا و مکتب، در یک چنین حکومتی فرماندهی و فرمانبری فقط و فقط یک تقسیم کار است. تقسیم کاری سازنده و مناسب... عاری از هرگونه تکلف و تحمیل و امتیاز و بدون حب و بغض و صرفاً به عنوان وظیفه الهی و در یک چنین رابطه‌ای است که روش و طریقه پیاده شدن حکومتی که حتی تصور آنهم کارآسانی نیست شکل می‌گیرد.

عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مڈبر است و...»

«اصل یکصد ونهم - شرایط و صفات رهبر با اعضای شورای رهبری»

۱- صلاحیت علمی و تقوی لازم برای افتاء و مرجعیت

۲- بینش سیاسی و اجتماعی و شجاعت و قدرت و مدیریت کافی (برای رهبری)

اما منظور از ارائه بحث مختصری به ولایت فقیه این بود که می‌خواستیم هدف از «تربیت و تعلیم اسلامی» را از این چنین بیان نمایم:

هدف از «تربیت و تعلیم اسلامی» ارائه انسانی است که در تمای شئون اسلامی خویش اعم از مسائل عبادی، سیاسی و اجتماعی و اعم از فردی و جمعی... پیرو و مقلد چون و چرای ولایت فقیه، و مطیع رهبر یا شورای رهبری زمان خویش باشند. این تعریف (به گمان ما) که بهترین تعریف عملیاتی (اجرایی) از اهداف «تربیت و تعلیم اسلامی» است، چه:

«ولسی امر» در هر زمان حتی جزئی‌ترین اعمالی را که یک انسان تربیت یافته اسلامی بایستی انجام دهد، به صورت تعریف‌های عملیاتی و اجرایی در زمانه خویش به طور واضح و روشن برای عموم مردم بیان می‌کند.

به عنوان مثال امروز که ولی امر مسلمین، امام خمینی (مدظله العالی) می‌باشند، حتی کوچکترین وظایف یک انسان تربیت یافته اسلامی مشخص است.

امام، در رساله عملیه خود به شرح